

نقش و توسعه صنایع دستی در جامعه عشایری استان چهارمحال و بختیاری

مهوش تقی پور

معلم هنر آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری

مقدمه

محرومیت‌زدایی و فقرزدایی از چهره عشایر یکی از اولویت‌های توسعه کشور است که نخستین اقدام در تدوین این برنامه و سنجش دقیق امکانات موجود در مناطق عشایر به‌عنوان زیربنای اقدامات بعدی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای خواهد بود که موجب شناخت پایدار و توسعه همه‌جانبه در آن مناطق خواهد شد. یکی از روش‌های افزایش توان اقتصادی جامعه عشایری، رشد و توسعه صنایع دستی آنان و عرضه کالاهای تولیدی‌شان (با توجه به نیازهای جامعه) به بازار است که می‌تواند نقشی در افزایش درآمد جامعه مذکور داشته باشد. با توجه به بهره‌برداری از قابلیت‌های اقتصادی صنایع دستی به شکل‌های مختلف و دگرگون شده می‌توانیم موجب شکوفایی هرچه بیشتر آن گردیم.



صنایع دستی

صنایع دستی به آن گروه از صنایع گفته می‌شود که تمام یا قسمت اعظم مراحل ساخت فرآورده‌های آن با دست انجام گرفته و در چهارچوب فرهنگ و ذوق هنری انسان‌های هر منطقه و با توجه به دیدگاه‌های قومی آنان ساخته و پرداخته می‌شود. براساس تعریف فوق می‌توان ویژگی‌های زیر را برای صنایع دستی برشمرد:

- ۱- صنایع دستی بازتابی از تاریخ و تمدن هر قوم و ملت که براساس سنت و عادات اجتماعی فرهنگ آن می‌باشد.
- ۲- صنایع دستی از معدود صنایع ملی است که احتیاج به تخصص پیشرفته و وسایل چندان پیچیده‌ای ندارد.
- ۳- احتیاج به سرمایه‌گذاری کلان و مؤسسات بزرگ ندارد.
- ۴- چون عشایر خود تولیدکننده مواد اولیه صنایع دستی‌شان هستند، ارزش افزوده کالا افزایش می‌یابد.

موقعیت استان چهارمحال و بختیاری و عشایر آن

استان چهارمحال و بختیاری با مساحت ۱۶۵۳۳ کیلومترمربع همجوار با استان‌های اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان در سلسله جبال زاگرس در جنوب غربی ایران واقع شده است و محل استقرار بیلاقی ایل بختیاری است. جمعیت این ایل طبق سرشماری اجتماعی و اقتصادی سال ۱۳۷۷ حدود ۲۷۱۷۲ خانوار و ۱۸۱۵۰۵ نفر که از تعداد فوق ۵۲/۴ درصد مذکر و ۴۷/۶ درصد مؤنث بوده است و حدود ۱۵ درصد از عشایر کل کشور را تشکیل می‌دهند.

جایگاه و اهمیت صنایع دستی در جامعه عشایری استان

صنایع دستی یکی از فعالیت‌های اقتصادی خانوار عشایری است که با ایجاد برنامه‌ریزی بجا و صحیح می‌تواند در چرخه اقتصاد کشور نقش به‌سزایی داشته باشد. حمایت از صنایع دستی دارای اهمیت زیادی است و دولت نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد چون صنایع دستی می‌تواند



نقش فعال و مؤثری در ایجاد درآمد و اشتغال و جلوگیری از مهاجرت داشته باشد. مخصوصاً فراوانی منابع و مواد اولیه، طولانی بودن تولید، گوناگونی و تنوع محصولات زمینه استقبال مردم را فراهم می‌آورد.

خصوصیات صنایع دستی جامعه عشایری استان

در بررسی انواع تولیدات دستی و خصوصیاتی دیده می‌شود که با نوع معیشت دامداری و فرهنگ عشیره‌ای هماهنگ است و به علت بسته بودن آن جامعه‌ها بیشتر نیاز معمولی خانوار را دربرمی‌گیرد زیرا با تغییر فصل، تأمین مواد اولیه، میزان و نوع تولیدات صنایع دستی تغییر می‌کند و به همین خاطر ابزار تهیه این صنایع سبک و ساده است و می‌توانند در طول کوچ آنها را با خود حمل نمایند و هدف سودبری در ساخت محصولات چندان مدنظر نیست و در اوقات فراغت توسط زنان ایل در اکثر خانوارهای ایلی تولید می‌شود.

برای مثال قالی، گلیم و چادر (پلاس) از جمله محصولات مهم صنایع دستی عشایر است که به کندی انجام می‌گیرد یعنی روزها و حتی ماه‌ها طول می‌کشد تا یک قالی یا گلیم بافته و پرداخته گردد پس به خاطر طولانی بودن زمان تولید صنایع مذکور و به علت کوچ نمی‌توانند قالی و گلیم‌های بزرگ تولید کنند به همین دلیل در هر منطقه بیلاقی و قشلاقی با توجه به ابزار موجود در طبیعت قالی و گلیم می‌بافند.

مواد اولیه صنایع دستی عشایر استان

مواد اولیه تولیدات صنایع دستی از دام‌های عشایر است و آنان از این نظر خودکفا هستند، چنانچه از ۳۵ نوع صنایع دستی شناخته شده در ۱۳ استان عشایری مورد مطالعه ۷۶ درصد از پشم گوسفند، ۳۲ درصد از موی بز و حدود ۴ درصد از موادی غیر از موارد فوق ساخته شده است. چنانچه ملاحظه نمودید ماده اولیه اکثر صنایع دستی پشم است که برای تهیه آن، ابتدا پشم گوسفند چیده و پس از تمیز کردن آن را می‌ریسند. ریسندگی از فنون اصلی ایلات و عشایر به حساب می‌آید ولیکن تکنیک‌های آن بسیار ساده است و ابزارهای تولید تقریباً بدون تغییر شکل



سال‌ها باقی مانده‌اند. متأسفانه در رسیدن پشم و موها دقت چندانی به‌عمل نمی‌آید، در نتیجه مواد به‌دست آمده جهت تولید صنایع دستی نامرغوب است و این صنایع در مقایسه با تولیدات روستایی و شهری موفقیت چندانی به‌دست نیاورده و موجب عدم رقابت با نمونه مشابه آن می‌گردد.

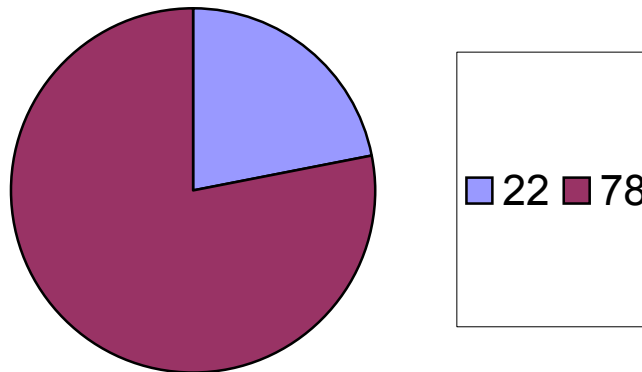
طرح و نقشه صنایع دستی

از عوامل مهم و مؤثر در صنایع دستی طرح و نقشه آن است. به‌طور کلی مناظر طبیعی و پوشش گیاهی تأثیرات خاصی به صنایع دستی عشایر بخشیده است و به همین دلیل منظره جغرافیایی محیط مدل الهام‌بخش طراحان و نقشه قالب‌ها و گلیم‌ها گردیده مثلاً در نواحی ییلاقی به علت بارش باران‌های بهاری و آب شدن برف‌های زمستانی، مدتی از فصل بهار از گیاهان متنوع و گل‌های رنگارنگ پوشیده می‌شود. بدون شک همین منظره محیط طبیعی به‌عنوان الگوی طرح‌ها و نقشه‌ها در صنایع دستی مانند فرش به‌کار گرفته می‌شود.

رنگ‌آمیزی صنایع دستی

همچنان‌که فعالیت‌های صنایع دستی عشایر نشئت گرفته از طبیعت است رنگ‌های به‌کار رفته نیز از همان محیط طبیعی به‌دست می‌آید. برای نمونه از روناس، زردچوبه، جفت، پوست انار و پوست گردو و این رنگ‌ها ثبات، درخشندگی و شفافیتی به مراتب بیش از رنگ‌های مصنوعی دارند. در این راستا می‌کوشیدند تا خود تأمین‌کننده بسیاری از احتیاجاتشان باشند و وسایل زندگی روزمره‌شان را نیز خود تولید می‌کردند ولی شاید به خاطر پیشرفت‌های سریع صنعتی، سهولت در رنگرزی، ارزانی قیمت و تنوع شدید رنگ بسیاری از بافندگان را به‌سوی مصرف مواد شیمیایی سوق داده و مورد استفاده قرار می‌گیرد و به علت در اختیار نبودن کارگاه‌های رنگرزی، عشایر مجبورند کالاهای خود را به شهرها و روستاها حمل نموده و با پرداخت هزینه زیادی مواد اولیه خود را رنگ نمایند.

چنانچه که در آمار سال ۱۳۶۶، ۷۸٪ درصد از کالاها دارای رنگ شیمیایی و ۲۲٪ از کالاها دارای رنگ گیاهی و سستی بوده‌اند.



نمودار درصد استفاده از رنگ‌های شیمیایی و گیاهی در صنایع دستی عشایر استان

برای بهبود وضعیت رنگرزی در صنایع دستی و ایجاد کارهای جنبی برای عشایر می‌توان به تأسیس و ایجاد کارگاه‌های رنگرزی سستی اقدام نمود تا از طرفی کیفیت صنایع بالا رود و از طرف دیگر درآمد گروهی از عشایر افزایش یابد و دست‌دلان نیز کوتاه گردد.

تأثیر وضعیت خانوار بر تولیدکننده صنایع دستی در دوره بیلابی استان

براساس آمار سرشماری عشایر در دوره بیلابی استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۶۶ حدود ۱۷۶۸۸ خانوار در تولید صنایع دستی شرکت داشته‌اند که از این تعداد ۱۸/۲ درصد در بافت قالی و قالیچه ۲۴/۳ درصد در بافت گلیم، جاجیم و تولیدات مشابه و ۳۹/۹ درصد در بافت پلاس (چادر) بیشتر از سایر صنایع دستی فعال بوده‌اند.

۹۰ درصد از کل خانوارهای تولیدکننده، صنایع دستی را برای خود مصرفی و ۵/۲ درصد برای فروش تولید کرده‌اند.



براساس سرشماری سال ۱۳۷۷ در دوره بیلاقی ۴۸ درصد خانوارهای تولیدکننده صنایع دستی نسبت به دهه قبل به علت مهاجرت عشایر به روستاها و حاشیه شهرها، فقر مالی، عدم حمایت دولت از صنایع دستی عشایر و جایگزین شدن وسایل ماشینی کاهش داشته است و حدود ۸۶۸۲ خانوار تولیدکننده بوده‌اند و از این تعداد حدود ۱۲ درصد به بافت قالی و قالیچه ...، ۱۰/۹ درصد به بافت گلیم، جاجیم و محصولات مشابه و ۱۱/۹ درصد به تولید پلاس (چادر) مشغول هستند و حدود ۷۷/۷ درصد این محصولات را برای مصارف خانوار و ۱۸/۲ درصد برای فروش تولید کرده‌اند. مقایسه بین آمار دو سرشماری ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷، ۱۲/۸ درصد خانوارهای عشایر تولیدکننده برای خود مصرفی کاهش یافته و این افت توسط عشایر تولیدکننده برای فروش با ۱۳ درصد افزایش جبران شده است.

جدول شماره ۱: خانوار عشایر تولیدکننده صنایع دستی استان چهارمحال و بختیاری در دوره

بیلاقی

دوره سرشماری آمار عشایر		جمع			فقط برای فروش		فقط برای مصرف خانوار		برای فروش و مصرف خانوار	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
سرشماری *۱۳۶۶	۱۷۶۸۸	۱۰۰	۹۱۴	۵/۲	۱۵۹۲۰	۹۰	۸۵۴	۴/۸		
سرشماری **۱۳۷۷	۸۶۸۲	۱۰۰	۱۵۴۹	۱۸/۲	۶۵۸۹	۷۷/۷	۱۶۴	۴/۱		

*. آمارنامه سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۶۶، ص ۱۱-۱۰.

** آمارنامه سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۷۷، ص ۲۸.



راهبردهایی لازم برای توسعه صنایع دستی عشایر

- ۱- آموزش صنایع دستی برای بالا بردن سطح کیفی تولیدات؛
- ۲- توسعه صنایع دستی کوچ‌نشینان و بازاریابی برای آن از طریق:
 - الف- برپایی نمایشگاه و فروشگاه‌های دائمی در کشور (برای فروش به توریست‌ها)،
 - ب- خرید تضمینی تولیدات و کالاهای بافته شده عشایر برای حمایت از صنایع دستی کوچ‌نشینان توسط سازمان صنایع دستی برای صادرات،
 - ج- کمک برای فروش کالاها از طریق شرکت‌های تعاونی تولید و توزیع در داخل و خارج از کشور،
 - د- تأسیس کارگاه‌های کوچک قابل حمل در مناطق عشایری برای گسترش فعالیت‌های مربوط به صنایع تبدیلی و دستی مانند ریسندگی.
- ۳- تلاش به منظور بازگشت به استفاده از رنگ‌های بومی (محلی)؛
- ۴- اصلاح روش و شکل تولیدات صنایع دستی از نظر کیفی و انطباق این صنایع با بهترین تولیدات شهری و روستائی جهت رقابت با آنها.

نتیجه‌گیری

- ۱- بالا بودن ارزش افزوده در فعالیت‌های صنایع دستی برای عشایر اثرات مطلوبی در اقتصاد عشایر و توزیع درآمدهای آنها دارد (به شرط تولید برای فروش) و راهی مناسب برای کسب ارز است.
- ۲- به علت پایین بودن میزان سرمایه‌های مورد نیاز در تأسیس و راه‌اندازی کارگاه‌های صنایع دستی، بار مالی را از عهده دولت برداشته و مشاغل جدید ایجاد می‌کند.
- ۳- ایجاد اشتغال در صنایع دستی در مناطق عشایر و روستاهای عشایری از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری می‌کند.
- ۴- چون ارزش افزوده صنایع دستی قدرت خرید را بالا می‌برد، موجب تسهیل در توسعه، عمران و آبادی و انسجام زندگی خانواده‌ها می‌گردد.



بنابراین باید دانست که انجام یک سری اقدامات منظم برای توسعه و گسترش صنایع دستی در میان عشایر از یک طرف حفظ ارزش‌های ملی و فرهنگی و از طرفی دیگر با حل مشکلات، جذب سرمایه مورد نیاز در صنایع دستی را فراهم نماییم.

منابع

- افشار سیستانی، ایرج، مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌های چادرنشین، تهران، ناشر: مؤلف، ۲ جلد، ۱۳۶۶.
- ترکمان، منوچهر، آشنایی با جامعه عشایری ایران، تهران، وزارت آموزش و پرورش ویژه مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۴.
- حسن بیگی، م، «گبه کهن سالی که جوان مانده»، ذخایر/انقلاب، شماره ۶، بهار ۱۳۶۸.
- حسن بیگی، م، مروری بر صنایع دستی ایران، تهران، ققنوس، ۱۳۵۶.
- شورای عالی عشایر ایران، خط مشی بیست ساله عشایر، تهران، سازمان امور عشایری، ۱۳۶۶.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عشایر کوچنده، ۱۳۶۶.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عشایر کوچنده، ۱۳۷۷.
- مشیری، سید رحیم و نصرالله مولائی هاشجین، اقتصاد کوچ‌نشینان، تهران، دانشگاه پیام‌نور، جلد ۱، ۱۳۷۴.
- میراحمدی، بهرام، «صنایع دستی در ایل بختیاری»، ذخایر/انقلاب، شماره ۱۰، بهار ۱۳۶۹.
- هانس، ای. وولف، صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، جلد ۱، ۱۳۷۲.
- وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۷۹.